

تحلیلی بر ساختار و آسیب شناسی جامعه نبوی

دریافت: ۹۵/۷/۲۴ تأیید: ۹۵/۹/۲۸ عبدالکریم بهجت پور* و مجید چهری**

چکیده

رابطه انسان با خدا و به تبع آن رابطه انسان با جامعه، از مهم ترین روابط انسان است که سهمی عمده از اعتقاد، رفتار و عملکرد وی را در طول دوران زندگی به خود اختصاص می دهد. جامعه نبوی یا آخرین الگوی دینی و اجتماعی بشریت، تحت مدیریت مستقیم خداوند متعال شکل گرفته و به تصریح آیه ۲۹ سوره فتح، چهار مرحله جوانه زدن، به شکل نهال در آمدن، قوت یافتن و در نهایت استوار شدن بر پایه های خود را از سر گذرانده است. با عنایت به هدایت و تربیت بشر به عنوان هدف نزول قرآن کریم و راهبرد الگوسازی جامعه نبوی، قرآن کریم، شکل گیری و ترقی این جامعه را گام به گام پیش برده و در این مسیر، با آسیب شناسی های به موقع، آن را از گذرگاه های حادثه خیز به سلامت عبور داده است. در این میان، سوره بقره به عنوان نخستین سوره مدنی، در بخشی از مرحله استحکام بخشی به جامعه نبوی، در حوزه راهبری و آسیب شناسی، از ابتدای مرحله سوم شکل گیری؛ یعنی تنومندی و قوت یافتن ایفای نقش نموده است. با توجه به شرایط ویژه ورود پیامبر به مدینه، شکل گیری رسمی جامعه و وضع قوانین الهی، همگام با نزول سوره بقره مشخص می شود. در این سوره با یک آسیب شناسی هدفمند و ذکر مصادیق متعددی از نقض عهد مؤمنین گذشته، به اهمیت و پایبندی مؤمنین به عهد و میثاق های الهی بسیار تأکید شده و انسجام و استحکام یافتن جامعه نوپای دینی و ترقی مؤمنان در تصحیح روابط اجتماعی و از طرفی عدم بروز آسیب اجتماعی نقض عهد جمعی یا مهم ترین آسیب جامعه نبوی در دوره سوم شکل گیری، مشروط به میزان پایبندی تک تک آنان به عهد و میثاق های الهی دانسته شده است.

واژگان کلیدی

جامعه نبوی، آسیب شناسی، همگام با نزول، سوره بقره، عهد و نقض عهد، میثاق الهی

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی قم.

** دکترای علوم قرآن و حدیث.

مقدمه

جامعه نبوی متشکل از اجتماع مؤمنینی بود که با ظهور اسلام در مکه، به خداوند و آرمان‌های معرفی شده توسط پیامبر ایمان آورده و با ورود به مدینه، بر مبنای عهد و میثاق با خدا و پیامبر و پذیرش قوانین الهی، رسماً تشکیل حکومت داده‌اند. خداوند در خصوص پیامبر اسلام و یاران ایشان می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» (فتح (۴۸): ۲۹)؛ محمد فرستاده خدا است و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربانند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی. آنها همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند. نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. این توصیف آنها در تورات است و توصیف آنها در انجیل همانند زراعتی است که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شود و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وا می‌دارد. این برای آن است که کافران را به خشم آورد. خداوند کسانی از آنها که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند، وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است. با استناد به این آیه و تلاش برای ارائه گزارشی تفسیرگونه از آن، در می‌یابیم که چهار مرحله برای شکل‌گیری و رشد جامعه نبوی ترسیم شده است:

۱. رشد به صورت جوانه. ۲. رشد به صورت نهال نوپا. ۳. مرحله تنومندی و قوام یافتن. ۴. مرحله استقلال و ایستادن بر پایه‌های خود. بررسی‌های تاریخی و تفسیری نشان می‌دهد که دو مرحله نخست شکل‌گیری جامعه نبوی در مکه طی شده و هم‌زمان با ورود اسلام به مدینه و هجرت پیامبر، مرحله سوم شکل‌گیری و

رشد جامعه نبوی آغاز می‌شود. شکل‌گیری و ساختاریابی جامعه نبوی در مرحله سوم نیازمند وضع قوانین جدید و تولید انسجام داخلی است و این دو مقوله نیز محصول سامان یافتن روابط مؤمنین در دو حوزه ارتباط با خداوند و جامعه نوپای دینی می‌باشد. برای دستیابی به این هدف، قرآن کریم در جایگاه وحی الهی، مبنای قانون‌گذاری و راهنمای دعوت اسلامی، گام به‌گام جامعه نبوی را آسیب‌شناسی نموده و به سمت ترقی و پیشرفت سوق داده است. به اتفاق مفسران و بررسی گزارش‌های موجود، سوره بقره نخستین سوره مدنی است که با هجرت پیامبر به مدینه، به تدریج نازل شده است. در این مقال پژوهشگر همگام با نزول و گزارشی تفسیری از این سوره، روند ساختاریابی و آسیب‌شناسی جامعه نبوی در مرحله سوم شکل‌گیری جامعه نبوی، یعنی دوران غلظت و قوام یافتن را مطالعه نموده تا در این مسیر، نخستین و مهم‌ترین آسیب‌شناسی جامعه نبوی را کشف نماید. این مطالعه تفسیری همچنین می‌تواند به تولید رویکرد اجتماعی جدیدی در تفسیر قرآن کریم بیانجامد؛ چراکه که نگاه آسیب‌شناسانه به جامعه نبوی همگام با نزول، راه‌کارهای قرآنی مقابله با آسیب‌ها و تقویت جامعه‌نبوی را ترسیم نموده و دستاوردهای کاربردی و مفیدی را برای امروز جامعه اسلامی در حوزه کیفیت رفتارسازی فردی و جمعی مؤمنین ارائه می‌نماید. در نمایی کلی، بررسی فرآیند جامعه سازی دینی همگام با نزول و با نگاهی کاشف از آسیب‌شناسی، به ما می‌نمایاند که پیامبر در پرتو وحی و مدیریت الهی چگونه این حرکت گسترده و اثرگذار اجتماعی را در قلب یک مجموعه قبیله بدوی که اعتقادات جاهلی، پابندی به نظام قبیله‌ای، بی‌دولتی و فقدان جامعه‌ای متحد بر مدار آرمان‌ها و باورهای مشترک، مهم‌ترین شاخصه آن به‌شمار می‌رفته، شکل داده و با انتقال آن به مدینه با چه آسیب‌هایی دست و پنجه نرم کرده و با چه راه‌کارهایی آن را از چالش‌ها عبور داده که تا عصر حاضر، امت اسلامی بخشی مهم و تأثیرگذار از جامعه، تاریخ و فرهنگ بشریت را به خود اختصاص داده است.

طرح مسأله

بی تردید سقوط و اعتلای جوامع محصول تلاش آحاد جامعه، همدلی آنها با یکدیگر، دشمنی با دشمنان، اعتماد و باورشان به قوانین و مقررات، مراقبت و مواظبت بر حرکات دشمنان و منافقین، ایمانشان به مسئولین و رهبران آن جامعه و میزان پابندی‌شان به عهد و میثاق‌های فردی و اجتماعی است. مدینه نقطه آغاز تشکیل رسمی جامعه اسلامی قلمداد می‌شود. در مکه تلاش وافر شد تا گروهی قوی، معتقد، خداترس، پایبند به عهد و میثاق‌های الهی و در معیت پیامبر، شکل بگیرد. می‌توان از این افراد به گروه پیشرو تعبیر نمود که در مکه شکل گرفته و مبنای شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه گردید. سوره‌های نازل شده در مدینه که به بیست و هشت سوره بالغ می‌شود، هر یک به ابعادی از ویژگی‌های جامعه پیشرو اسلامی اشاره کرده است. شکل‌گیری جوامع نوینان، رخدادی سریع بوده و در مقابل اگر این اجتماع بر پایه‌هایی مستحکم بنا نشده باشد، به سرعت رو به زوال می‌نهد. در این میان، عملیات آسیب‌شناسی در فرآیند شکل‌گیری جامعه نبوی، از مهم‌ترین اقدامات انجام شده جهت استحکام بخشی و انسجام‌دهی به جامعه ایمانی به‌شمار می‌رود. سؤال اصلی پژوهش آن است که با استناد به آیه ۲۹ سوره فتح در نوع ساختاریابی جامعه نبوی و همگام با سوره بقره، به عنوان نخستین سوره مدنی، چه نوع آسیب‌شناسی‌هایی در فرآیند تحوّل و شکل‌گیری جامعه ایمانی انجام شده است.

روش تحقیق

برای پاسخ به این پرسش، نخست همگام با روند ساختاریابی جامعه نبوی و نزول سوره بقره، اهمیت پابندی به پیمان‌های الهی و مصادیق عهد و نقض عهد مؤمنین اقوام گذشته و سپس نقش آن را در قوام بخشی یا آسیب‌رسانی به جامعه نبوی مطالعه خواهیم کرد. همچنان که خواهیم کوشید با شناسایی و چیش بستریابی اجتماعی و انسانی موجود جامعه مدینه در امکان وقوع نقض عهد جمعی، راه‌کارهای راه‌گشای سوره بقره در ممانعت از وقوع این آسیب بنیان‌کن اجتماعی در جامعه نبوی را بازکاوییم.

پیشینه

حضور پیامبر در مدینه و تشکیل حکومت دینی از نقاط عطف تاریخ اسلام به‌شمار رفته که مملو از پدیده‌های اجتماعی^۱ و گذار اعتقادی - سیاسی جامعه عرب آن روز از شرک و بت‌پرستی به توحید و خداپرستی و از ساختار سیاسی - اجتماعی قبیله‌ای به تشکیل قدرت مرکزی منسجم می‌باشد. هرچند رخدادها و ویژگی‌های جامعه نبوی از دید مورخان و مفسران پوشیده نمانده است؛ اما مطالعه‌ای هم‌جهت با هدف و مسیر این پژوهش که همگام با نزول، به مطالعه ساختاریابی و آسیب‌شناسی جامعه نبوی پرداخته باشد، توسط نگارنده یافت نشده است. با این حال منابع متعددی وجود دارد که تاریخ حیات پیامبر را بعضاً مطابق با نزول آیات قرآن کریم نگاشته‌اند.^۲ همچنین مفسران سبک تنزیلی، همگام با سیر نزول، به تفسیر قرآن کریم همراه با بیان نکات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه عصر نزول پرداخته‌اند. در برخی موارد محققان به بررسی روش‌های مقابله با هنجار شکنی در جامعه نبوی،^۳ یا سیر تاریخی انقلاب، جهاد و مبارزه، تشکیل دولت و حکومت نبوی همگام با تاریخ جامعه اسلامی و نزول قرآن کریم پرداخته^۴ و با معرفی دولت و حکومت نبوی، آن را الگویی از آخرین انقلاب و جامعه تشکیل شده تحت رهبری و مدیریت خداوند متعال دانسته‌اند که باید سایر انقلاب‌های اسلامی مانند انقلاب اسلامی ایران نیز مطابق آن طی مسیر نماید.^۵ نکته مغفول در تمام پژوهش‌های انجام‌شده، محور اصلی این پژوهش یعنی نبود نگاه کاشف از آسیب‌شناسی جامعه نبوی همگام با نزول قرآن است.

مفهوم شناسی

۱. آسیب‌شناسی

آسیب به معنای زخم، عیب و نقص، آفت و صدمه (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۴۴؛ معین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۵۸؛ انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰۸) و آسیب‌شناسی^۶ در اصل واژه‌ای مربوط به حوزه علوم پزشکی که به منشأ، ماهیت، علت و سیر بیماری‌ها می‌پردازد و به معنای مرض‌شناسی و علم امراض نیز به‌کار می‌رود (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۰۹؛

حییم، ۱۳۸۵، ص ۷۲۶). این واژه بعداً به سایر حوزه‌های علوم نیز راه یافته است؛ مانند آسیب‌شناسی فرهنگی و آسیب‌شناسی اجتماعی.^۷ جامعه‌شناسان اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی را شاخه‌ای از دانش دانسته‌اند که هدف از آن شناخت بیماری‌های روانی-تنی و اجتماعی و نحوه تکوین، رشد و دگرگونی آنها (ساروخانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۵۷۱) و یا معالجه اختلالات اجتماعی است. هر چند برخی معتقدند اصطلاح «آسیب‌شناسی اجتماعی» قدمتی حدود هشتاد سال داشته (رجبی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۱) و هدف آن مطالعه و شناخت علل پیدایش آسیب‌ها، پیش‌گیری از وقوع انحرافات اجتماعی یا درمان آنهاست (آقایی، ۱۳۸۰، ش ۵۱، ص ۱۰۶).

آسیب‌شناسی را می‌توان عملیاتی جهت شناخت و جلوگیری از بروز یا درمان آسیب‌های به‌وجود آمده همراه یک پدیده دانست. البته می‌توان گفت هدف آسیب‌شناسی تنها درمان یک آسیب نیست، بلکه ممکن است آسیب‌شناس با تشخیص موقعیت بروز یک آسیب و نوعی پیشگیری اجتماعی،^۸ هم‌زمان با جلوگیری از بروز، آن را تبدیل به یک فرصت جهت رشد و پیشرفت یک پدیده نماید.

۲. عهد و نقض عهد

«عهد»، مصدر و جمع آن عهود و آن را به وصیت، میثاق (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۰۲)، حفظ و نگهداری چیزی و مراعات آن در همه احوال (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۹۱) و یا میثاق و پیمان‌های میان مردم معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۱۱). برخی نیز عهد را التزام و عقد قلبی بر چیزی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۲۹) و یا نوعی پایبندی خاص نسبت به مسأله‌ای میان فرد و سایرین و عقد، قسم و وصیت را از اسباب این پایبندی دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۲۴۶). در فارسی این واژه به معنای پیمان بستن، میثاق و همچنین به معنای روزگار و دوره (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۱۶۴۵؛ معین، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۳۶) یا قراردادی که بر سر امری بین دو یا چند طرف بسته می‌شود، آمده است (انوری، ۱۳۸۱، ج ۵، ص ۵۱۲۰). عهد از مفاهیم پرکاربرد قرآنی است که در بیشتر موارد به معنای پیمان و میثاق است.

این واژه تنها در سوره بقره ۴ بار به کار رفته (بقره(۲): ۲۷، ۴۰، ۸۰، ۱۰۰، ۱۲۴، ۱۲۵ و ۱۷۷) و در موارد متعددی نیز از مترادف این واژه، یعنی میثاق، برای دلالت بر عهد و پیمان استفاده شده است (بقره(۲): ۲۷، ۶۳، ۸۳، ۸۴، ۹۳؛ آل عمران(۳): ۱۸۷ و ۱۸۸؛ نساء(۴): ۲۱، ۹۱، ۹۲، ۱۵۴ و ۱۵۵؛ رعد(۱۳): ۲۰ و ۲۵).

مفهوم مخالف عهد و میثاق، یعنی نبذ و نقض عهد و میثاق نیز مورد کاربرد و تأکید قرآن کریم است (بقره(۲): ۲۷ و ۱۰۰؛ انفال(۸): ۷۲؛ رعد(۱۳): ۲۰ و ۲۵؛ حدید(۵۷): ۲۵). در یک دورنمای کلی، قرآن کریم در موارد متعددی به ارزش و حفظ عهد و میثاق و نیز مذمت شدید نقض عهد و میثاق تأکید نموده (مائده(۵): ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۷۰) و عموماً به برخی اعمال و رفتار بنی اسرائیل به عنوان مصادیق بارز عهد شکنی مؤمنین گذشته اشاره شده است (بقره(۲): ۲۷؛ مائده(۵): ۱۳ و ۷۰؛ انفال(۸): ۵۶؛ رعد(۱۳): ۲۰ و ۲۵).

۳. جامعهٔ نبوی

«جامعه» اسم فاعل مؤنث از مصدر جمع و به معنای گرد هم کردن، فراهم آوردن یا بر هم افزودن است (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۳۹؛ معین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۰۸). معادل عربی آن، مجتمع و اجتماع که ضد افتراق است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۱۴؛ معین، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۳۸۷۲)، به جمع یا گروه؛ خصوصاً گروهی از انسان‌ها اطلاق می‌شود که جهت مشترکی مانند نژاد، زبان، دین و مذهب، ملیت و... با هم داشته و به اعتبار همان جهت مشترک یک جامعه را تشکیل داده و برای رسیدن به اهداف مشترک سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و مانند آن به طور مشترک فعالیت می‌کنند (معین ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۰۸؛ انوری، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۰۷۲-۲۰۷۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۹ و ۳۴۰). علی‌رغم این تعاریف و کاربردهای بسیار مفهوم جامعه، برخی معتقدند این مفهوم هنوز تعریفی مورد اتفاق جامعه‌شناسان نیافته است (ساروخانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸۰۷-۸۰۶). جامعه نبوی نیز در آغاز، اجتماعی از مؤمنین پیشرو بود که با ظهور اسلام در مکه به خدا و آرمان‌های اسلامی ایمان آورده و با تحمّل مشقّت‌های فراوان، با

هجرت به مدینه، پایه‌های اصلی اجتماعی نوین بر پایه ایمان به خدا را بنا نهادند. این جامعه بر اساس وجه اشتراک دین و عقیده شکل گرفته و با وضع قوانین الهی، در جهت اصلاح رابطه افراد با خداوند گام برداشته و با نهادینه کردن اصل پایبندی به عهد و میثاق‌های الهی و رفتارسازی دینی-اجتماعی، به سوی انسجام و ترقی پیش رفته است.

۴. دولت شهر^{۱۰} و دولت و حیانی نبوی

«دولت - شهر» را شکلی از یک جامعه یا نظام سیاسی دانسته‌اند که قلمرو، محدوده فعالیت و رهبری سیاسی آن یک شهر و پیرامون آن را در بر می‌گیرد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۴۲۳؛ آشوری، ۱۳۸۴، ج ۱۱، ص ۱۶۷-۱۶۶؛ غریباق زندی، ۱۳۸۷، ش ۴۲، ص ۷۳۴). از آنجا که تشکیل نظام سیاسی و به تبع آن دولت و حکومت اسلامی از مهم‌ترین اهداف دین اسلام و یک هدف عام و ضروری در زندگی اجتماعی اسلامی است که در سایه آن از مظلوم در برابر ظالم دفاع شده و عدالت اجتماعی در گستره جامعه دینی پابرجا می‌شود (قرشی، ۱۳۹۸ق، ص ۱۲۶)، در بدو ورود پیامبر به مدینه ابتدا نظام سیاسی در قالب دولت - شهر شکل می‌گیرد؛ چراکه حوزه فعالیت آن در ابتدا تنها شهر مدینه بوده، سپس با پیشرفت و گسترش اسلام و فتوحات مسلمین، به شکل دولت و حکومت نبوی بروز می‌کند. این گذار سیاسی در حالی رخ می‌دهد که گزارش‌های تاریخی حاکی از عدم وجود هرگونه نظم سیاسی فراتر از نظام قبیله‌ای در سرزمین حجاز پیش از ظهور اسلام است (برزگر، ۱۳۹۲، ص ۸۷-۸۳).

روند ساختاریابی جامعه نبوی

محقق برای فهم جامع و دقیق‌تر وقایع می‌بایست با سیر شکل‌گیری آنها هم‌قدم شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد شکل‌گیری، نوع ارائه جهان‌بینی، مکتب و گسترش جامعه نبوی از مهم‌ترین رخدادهای زندگی بشر به‌شمار می‌آید. همان‌گونه که از نظر گذشت با استناد به آیه ۲۹ سوره فتح، جامعه نبوی چهار مرحله گذار را پشت سر نهاده تا به درختی تنومند تبدیل شده است. این مراحل عبارتند از: **الف**: رشد به صورت جوانه و

شاخه‌های کوچک؛ این مرحله مربوط به ابتدای دعوت پیامبر در مکه است که قرآن کریم از آن به «أُخْرِجَ شَطَأَهُ» تعبیر کرده است. واژه «شَطَأٌ» جمع آن اشطاء، به شکافتن دانه از زمین (جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۵۳)، شاخه‌های کوچک (فراهیدی، ۴۱۰، ج ۶، ص ۲۷۶) که تازه از درخت بیرون زده و یا جوانه‌هایی که تازه از زمین روییده‌اند، معنا شده است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۳۱). ب: در آمدن به صورت یک نهال نوپای در حال تقویت که قرآن کریم برای این مرحله تعبیر «فَأَزْرَهُ» را به کار می‌برد. این واژه را به معنای بزرگ شدن، تقویت یافتن و قدرت شدید معنا کرده‌اند (راغب اصفهانی، ۴۱۲، ص ۷۴). ج: تنومندی و استحکام یافتن که در آیه فوق با عبارت «فَاسْتَعْلَظُ» از آن تعبیر شده است. «فَاسْتَعْلَظُ» نقطه مقابل سستی و به معنای غلظت و استحکام بوده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۹۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۷، ص ۲۵۰) و برخی نیز آن را مستحکم شدن گیاه و درخت و استوار گشتن آن را بر ساقه‌های خود دانسته‌اند (ابن منظور، ۴۱۴، ج ۷، ص ۴۴۹). د: مرحله استقلال و استوار شدن جامعه مؤمنین بر پایه‌های خود، که قرآن کریم از آن به عبارت «فَاسْتَوَى عَلَى سُوْقِهِ» تعبیر نموده است. در این مرحله، جامعه نبوی به مدد تلاش‌های پیامبر و اصحاب ایشان، بر پایه‌های خود استوار شده است (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۳۳۷).

این آیه تصویر کاملی از سیر تکاملی جامعه نبوی را ترسیم نموده است که با ظهور اسلام و پیوستن مؤمنان به پیامبر اکرم ﷺ، چگونه نهال دین سر بر آورده و اندک اندک تقویت شده است (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۶، ص ۱۷۶). بدیهی است که فرآیند استحکام و استقلال و ایستادن بر پایه‌های خود، تا حدودی محصول ایمان و عزم راسخ مؤمنین و اصحاب و پشتیبانی آنان از پیامبر اکرم و معارف ناب اسلامی بوده است (سید قطب، ۴۱۲، ج ۶، ص ۳۳۳۲-۳۳۳۳؛ دروزه، ۳۸۳، ج ۸، ص ۶۱۷). آنان مؤمنینی هستند که می‌توان از آنان به گروه پیشرو یاد نمود. در آیه فوق، پنج وصف عمده شامل جوانه زدن، کمک کردن برای پرورش، محکم شدن، بر پای خود ایستادن و نمو چشم‌گیر اعجاب‌انگیز، برای مؤمنان و یاران پیامبر ذکر شده است. در حقیقت این اوصاف بیان‌گر حرکت و نمو و رشد آنها در جنبه‌های مختلف است؛

چراکه آنها انسان‌هایی هستند با صفات والا که آنی از «حرکت» باز نمی‌ایستند، همواره جوانه می‌زنند و جوانه‌ها پرورش می‌یابند و بارور می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۱۷).

بررسی‌ها نشان می‌دهد دو مرحله رشد دانه‌ای و نهال‌گونه جامعه‌نبوی در مکه رخ می‌دهد. دوره تنومندی و استحکام یافتن، و استوار شدن بر پایه‌ها نیز در مدینه طی می‌شود. این پژوهش مرحله سوم، یعنی دوره تنومندی و استحکام یافتن جامعه نبوی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. سوره بقره، نخستین سوره مدنی است که از همان ابتدا جریان غیر همراه با مؤمنین را متذکر شده و نیز رسالت آسیب‌شناسی جامعه نبوی و عبور آن از آسیب‌های موجود را در سال‌های نخست مدینه ایفا نموده است. آسیب‌شناسی جامعه نبوی، همگام با نزول، هماهنگ با سبک تفسیری مفسران تنزیلی برای فهم بهتر و جامع آیات قرآن کریم بوده و تاکنون آثار تفسیری و پژوهشی متعددی بر مبنای آن نگاشته‌اند. قابل توجه است که این نگاه به جامعه نبوی و ترسیم چهار مرحله فوق و تقسیم آن به محیط مکه و مدینه، نکته‌ای است که تاکنون در پژوهش‌های تفسیری و قرآنی به آن توجه نشده است.

عهد و نقض در جامعه عرب عصر نزول و جامعه نبوی

بررسی‌ها نشان می‌دهد عهد و پیمان در جامعه عرب جاهلی و عصر نزول و همچنین ساختار قبیله‌ای جایگاه ویژه‌ای داشته و دو یا چند قبیله می‌توانستند در سایه انعقاد یک پیمان‌نامه، سال‌ها در امنیت، آرامش و رونق اقتصادی زندگی کنند و از طرفی جنگ‌های خونین چندین ساله، می‌توانست ارمغان کوچک‌ترین عهد شکنی قبایل با همدیگر باشد. قرآن کریم آکنده از توصیه به پایبندی به عهد و پیمان و مذمت شدید نقض آن است (بقره ۲): ۲۷، ۴۰، ۶۳، ۸۰، ۸۳، ۸۴، ۹۳، ۱۰۰، ۱۲۴، ۱۲۵ و ۱۷۷؛ آل عمران (۳): ۸۱ و ۱۸۷؛ نساء (۴): ۲۱، ۹۱، ۹۲، ۱۵۴ و ۱۵۵؛ انفال (۵): ۷۲؛ رعد (۱۳): ۲۰ و ۲۵؛ حدید (۵۷): ۲۵). پیامبر نیز با ورود به مدینه تاکید ویژه‌ای بر عهد و پیمان دارند تا جایی که در پایان نخستین خطبه‌ای که در مدینه می‌خوانند

می‌فرمایند: «خداوند از شکستن عهد و میثاق با او خشمگین می‌شود» (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۴۸-۳۴۷). مطالعه رخداد‌های ورود پیامبر و مهاجران به مدینه، بیانگر انعقاد پیمان‌نامه‌ای توسط پیامبر است که تقریباً تمام قبایل ساکن در مدینه و نیز هم‌پیمانانشان در حوالی مدینه را نیز در بر می‌گرفت (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۴۸-۳۵۱؛ حمیدالله، ۱۴۰۷ق، ص ۶۳-۵۷). پیامبر جهت قوام بخشی بیشتر به جامعه نوپای دینی، بین مهاجرین و انصار نیز عقد اخوت برقرار می‌نماید (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۵۳-۳۵۱).

«اوس» و «خزرج» و «یهود» به عنوان ساکنان اصلی مدینه مدام با هم درگیر بودند. پس از هجرت و با پذیرش اسلام توسط تعداد زیادی از اقشار مختلف اجتماعی مدینه، جغرافیای جمعیتی، هویت دینی و شرایط اجتماعی جدیدی در مدینه شکل می‌گیرد. در این شرایط، در صورت عدم انعقاد پیمان‌نامه‌ها، با اینکه مدینه فاقد قدرت مرکزی و نظام سیاسی مستقل بود، زمینه بروز حوادث تلخ و جبران ناپذیری وجود داشت. به همین جهت پیامبر با انعقاد پیمان نامه مدینه، یکی از مؤلفه‌های جامعه نبوی یعنی اتحاد را بین افراد و قبایل مدینه برقرار ساخت. طبیعتاً این پیمان نامه در امنیت بخشی به جو عمومی مدینه بسیار تأثیرگذار بود. ظاهراً اهل کتاب نخستین کسانی بودند که در همان سال نخست هجرت، پیمان نامه را شکسته و به فعالیت سیاسی و تبلیغی علیه اسلام پرداختند (العلی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۶).

اهمیت عهد و میثاق الهی و بررسی مصادیق آن در سوره بقره

۱. اهمیت عهد و میثاق الهی

ایمان، نوعی پذیرش عهد و عقد میثاق با خداوند متعال است. قرآن کریم وفای به عهد را در کنار ایمان به خدا، روز قیامت، برپایی نماز و دادن زکات آورده (بقره (۲): ۱۷۷)؛ چراکه نقض عهد و میثاق رشته اطمینان و اعتماد را پاره کرده و زیربنای روابط اجتماعی را سست می‌نماید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۰۰). قرآن کریم همچنین پایبندان به عهد و میثاق الهی را از مصادیق «اولوالالباب» و

داخل شوندگان در بهشت معرفی نموده است (رعد(۱۳): ۲۴-۲۰) و در مقابل، ناقضان آن را از مفسدان، زیان دیدگان (بقره(۲): ۲۷)، مورد لعنت خداوند و از اهالی جهنم (رعد(۱۳): ۲۵) معرفی می‌نماید. هر چند برخی مفسران، پایبندی به عهد و میثاق در آیات فوق را پذیرش ایمان به خدا دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۴۲؛ ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۷۲).

با عنایت به دو مرحله نخست شکل‌گیری جامعه دینی؛ یعنی مرحله جوانه زدن و به شکل نهال در آمدن، بررسی‌های کلی از اهداف سوره‌های مکی نشان می‌دهد در مکّه تأکید بر سامان‌دهی ارتباط و تقویت عهد و میثاق فردی تازه مؤمنین با خداوند است. این روند در مدینه و با تشکیل جامعه نبوی، پی گرفته شده و پایبندی به عهد و میثاق الهی جلوه جمعی و اجتماعی نیز به خود گرفته و مراقبت عمومی بر وحدت جامعه است؛ چراکه در صورت بروز نقض عهد، جامعه مؤمنین در معرض آسیب فروپاشی قرار می‌گیرند.

۲. مصادیق نقض عهد مؤمنین گذشته در سوره بقره

بررسی محتوای سوره بقره بیانگر مصادیق متعددی از اهمّیت عهد و میثاق، بیان عهد و نقض عهد طیف‌های متنوعی از مؤمنین اقوام گذشته و مذمت نقض آن است. همگام با سوره بقره و چینش مصادیق، آیه بیست و هفتم نقشی محوری و راهبردی در تبیین جایگاه عهد و میثاق و مذمت شدید نقض آن دارد. آنجا که می‌فرماید: «الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». در ادامه این سوره، ابلیس را فردی در جمع ملائکه مقرب معرفی نموده که با شکستن عهد و میثاق خود، از درگاه قرب الهی اخراج شده است (بقره(۲): ۳۴). سپس به بیان میثاقی که خداوند از حضرت آدم و همسرش ستانده، که ابتدایی‌ترین جامعه دینی بشری به‌شمار می‌روند، پرداخته است. جریان فریب آنان توسط شیطان را بیان و به عهد شکنی آنان اشاره می‌نماید (بقره(۲): ۳۷-۳۵) و با اشاره به اهمّیت والای میثاق با خداوند،

راه جبران این نقض عهد را به تبعیت از هدایت الهی یا به عبارتی سامان‌دهی به ارتباط فردی با خداوند مشروط نموده است (بقره(۲): ۳۸).

سوره بقره پس از بیان دو مصداق از عهد شکنی جامعه مؤمنین گذشته، به تفصیل وارد بحث از انواع عهد و نقض عهد‌های مکرر بنی اسرائیل، به‌عنوان یک جامعه کامل دینی می‌شود. این مصادیق، ضمن بیان اهمیت و جایگاه عهد و میثاق الهی، تذکرات فراوان نسبت به مذمت نقض عهد و عواقب آن (بقره(۲): ۴۲-۴۰ و ۱۲۴)، نقض عهد آنان با خداوند (بقره(۲): ۶۶-۶۳، ۱۰۰-۸۳ و ۸۶)، پیامبرشان حضرت موسی ۷ (بقره(۲): ۶۱-۵۱، ۶۲، ۶۳، ۷۵-۶۵، ۹۲، ۹۳ و ۱۰۱) و تعداد زیادی از لشکریان طالوت (بقره(۲): ۲۴۹) را شامل می‌شود. با مرور مصادیق فوق درمی‌یابیم بیش از ۳۰ آیه سوره بقره به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به اهمیت عهد و میثاق (بقره(۲): ۲۷ و ۱۲۴) و نقض عهد اقسام مؤمنین گذشته اشاره دارد. گستره اختصاص آیات نخستین سوره مدنی به این مسأله، نشان‌گر اهمیت راهبردی و ظرفیت اثرگذاری عهد و میثاق بر استحکام بخشی و تداوم روند جامعه‌سازی دینی در عهد نبوی است.

۳. نگاهی مقایسه‌ای به مصادیق نقض عهد

مقایسه مصادیق نقض عهد الهی در سوره بقره و تنوع گستره آن، نمایان‌گر امکان وقوع و آمیخته بودن آن با سرشت آدمی در شرایط و طبقات گوناگون فردی و اجتماعی مؤمنین اقوام گذشته بوده که از قبل نسبت به مذمت و عواقب کار خود یادآوری شده‌اند. نوع و گستره بیان مصادیق، این امکان را تقویت می‌کند که سوره بقره در جهت تفهیم امکان ابتلای جامعه ایمانی مدینه به نقض عهد گام برداشته و از این روست که در سال‌های نخست هجرت، مکرر امکان وقوع این آسیب اجتماعی را یادآوری می‌نماید. از طرفی مواردی مانند نزدیکی و ارتباط مؤمنین با اهل کتاب، جایگاه، غلبه فرهنگی و اقتصادی آنان بر سایر اقشار اجتماعی مدینه و دشمنی شدید آنان با اهل ایمان (مائده(۵): ۸۲)، ظرفیت تأثیرگذاری ویژه‌ای به اهل کتاب بر جامعه مؤمنین اختصاص داده بود. ظاهراً همین موارد سبب شده است سوره بقره پیشینه سوء

رفتار آنان را نمایان ساخته تا ضمن شکستن غلبه فرهنگی، جامعه ایمانی را در برابر توطئه‌ها و الگوهای رفتاری آنان واکسینه نماید.

بسترهای مناسب وقوع نقض عهد در جامعه نبوی

تنوع خطاب‌های سوره بقره به مؤمنان، بیماردلان، منافقان، اهل کتاب و کفار؛ نشان‌گر شکل‌گیری جامعه مدینه از طیف‌های متنوعی از مخاطبین و با ویژگی‌های متفاوت اعتقادی، فرهنگی و اجتماعی است. این تنوع ساختاری به‌علاوه برخی شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم، ایجادکننده بسترهایی مناسب جهت وقوع نقض عهد و میثاق مؤمنین با خداوند بود. با تشریح این بسترها، تلاش‌های صورت گرفته در سوره بقره برای ارائه راه‌کارهای مناسب جهت تولید انسجام داخلی در جامعه نبوی را واکاوی خواهیم کرد.

۱. تنوع جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی

جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی متنوعی ساختار اجتماعی جزیره العرب (ناس، ۱۳۸۲، ص ۷۰۶) و خصوصاً مدینه عصر نزول را تشکیل داده بود که می‌توان آن را نوعی جامعه چندمحوری یا جامعه چندقومی دانست.^{۱۱} یهودیان از ساکنان اصلی یثرب به‌شمار می‌آمدند که بسیاری از آنان در سال ۷۰ میلادی با حمله «تیتوس»، قیصر رومی، به فلسطین و تخریب هیکل و سپس در سال ۱۳۲ میلادی با حمله قیصر هدریان، به سرزمین حجاز و یمن مهاجرت کرده‌اند (یوسفی‌غروی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۰۸). در روایتی، امام صادق ۷ اصل سکونت آنان در مدینه را انتظار ظهور پیامبر آخرالزمان دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۱۰-۳۰۹). انتظار یهود تا حدی بود که در برخی نبردهایشان با «بنی غطفان» این دعا را می‌خواندند: «اللَّهُمَّ (أَنَا) نَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي وَعَدْتَنَا أَنْ تُخْرِجَهُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَلَّا نَصْرَتَنَا عَلَيْهِمْ» (ابن قتیبه، بی‌تا، ص ۵۶؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲-۳۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۷۸). ویژگی‌های این انتظار حتی پس از هجرت نیز به جدال «اوس» و «خزرج» با یهودیان کشیده شده و آنها یهود را به علت نقض عهدشان با پیامبر آخرالزمان سرزنش کرده‌اند

(بقره (۲): ۸۹؛ ابن هشام، ۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۸۹؛ واحدی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۲). «اوس» و «خزرج» نیز از ساکنان اصلی مدینه بوده که در اصل اعراب قحطانی اهل یمن بودند. مدت‌ها پیش از ظهور اسلام به حجاز و شام هجرت کرده و گروهی از آنان در حاشیه و بعدها در خود یثرب ساکن شدند. گزارش‌های تاریخی در خصوص تاریخ سکونت «اوس» و «خزرج» در یثرب اتفاق نظری ندارند (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۶۵۶-۶۵۵؛ بهرامیان، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۴۵-۴۴۳). برخی مهاجرت اعراب قحطانی از یمن را مربوط به زمان تخریب سد مأرب یا اندکی پیش از آن دانسته (یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۳) و برخی نیز احتمال داده‌اند این مهاجرت حدوداً در اواخر سده چهارم میلادی رخ داده باشد (شریف، بی‌تا، ص ۳۱۶-۳۱۴). موالی و بردگان نیز طبقه اجتماعی بزرگی را در مدینه تشکیل می‌دادند (ابن ادریس، ۱۳۹۲، ص ۸۶-۷۹)؛ هر چند ممکن است نتوان اطلاعات جامعی از اصالت و اعتقاد آنان به دست آورد.

با فشارهای جبهه کفر و در تنگنا قرار گرفتن مسلمانان، هجرت به مدینه آغاز شد. با این رخداد بر تکثر اقشار اجتماعی مدینه افزوده می‌شود. با وجود یهود، اوس و خزرج، موالی و بردگان، مهاجران، و قبایل ساکن در اطراف مدینه، بافت بومی، اجتماعی و اعتقادی منسجم و فراگیری در این شهر وجود نداشته است. این مسأله می‌توانست جامعه مدینه را آسیب پذیر نماید و زمینه را برای وقوع نقض عهد جمعی مؤمنین با خداوند مهیا سازد.

۲. ساختار نظام قبیله‌ای و عدم وجود نظم اجتماعی و سیاسی در سرزمین حجاز

در سرزمین جزیره العرب، قبیله به عنوان اساسی‌ترین و مهم‌ترین واحد سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رفت که به دو نوع قبایل «یک‌جانشین» و «کوچ‌نشین» تقسیم می‌گردید (برزگر، ۱۳۹۲، ص ۸۸-۸۷). ساختار نظام قبیله‌ای و تعصب شدید عرب بر این ساختار مشهور است؛ تا جایی که این مثل در میان عرب شایع بود که: «انصر اخاک ظالما او مظلوما» (قرشی، ۱۳۹۸ق، ص ۱۴۹). در این ساختار، افراد قبیله به رئیس و بزرگ خود اعتماد کامل داشتند و وی تقریباً همه‌کاره قبیله به‌شمار می‌آمد؛ تا جایی که

در موارد متعددی با اسلام آوردن رئیس قبیله، تمام افراد قبیله وی نیز اسلام می‌آوردند (العلی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۳-۳۱۹؛ برزگر، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳-۱۰۲). خوگرفتن عرب عصر نزول به نداشتن قدرت سیاسی مرکزی و منسجم، نپذیرفتن قوانین جمعی و پایبندی شدید به ساختار قبیله‌ای یا جامعه قومی،^{۱۲} بستری مناسب بود تا با روی‌گردانی رئیس یا بزرگان قبیله از اسلام و نظم اجتماعی جدید، سایر افراد قبیله نیز از این پیمان گسسته شوند. قرآن کریم در برخی موارد، پایبندی به ارزش‌های قبیله‌ای و سنت نیاکان را دلیل ایمان نیاوردن برخی از مخاطبان دانسته است (بقره(۲): ۱۷۰؛ مائده(۵): ۱۰۴؛ اعراف(۷): ۲۸، ۹۵ و ۱۷۳؛ شعراء(۲۶): ۷۴؛ لقمان(۳۱): ۲۱؛ زخرف(۴۳): ۲۲ و ۲۳).

۳. جریان بیمار دلان و منافقان

در سال‌های نخست دعوت پیامبر، به جریان بیمار دلان، با عبارت «الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ» اشاره شده است (مدثر(۷۴): ۳۱). منافقین نیز در واقع کافرند، اما کفر خود را علنی اظهار نمی‌کنند. با استناد به ترتیب نزول قرآن کریم، منافقان نیز در اواخر حضور پیامبر در مکه، به ناچار با جریان اسلامی هم‌قدم شده‌اند (عنکبوت(۲۹): ۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۸۹-۲۸۸)؛ چراکه با تشکیل اجتماعی از مؤمنان، بیمار دلان و منافقین به قصد پیوستن و ماندن در این اقلیت، اظهار ایمان می‌نمودند. با توجه به اختصاص آیات فراوانی از سوره مدنی (بقره(۲): ۸-۲۰؛ توبه(۹): ۴۲-۱۰۱)، این جریان در مدینه و با پیوستن گروهی از اهل کتاب (بقره(۲): ۷۵-۷۶)، به سرعت رو به رشد و گسترش نهاده و تا وفات پیامبر و با هجمه تبلیغاتی، توطئه‌های گسترده و اثرگذاری سوء بر جامعه مؤمنین، به فعالیت‌های خود ادامه داده است. این جریان را می‌توان تولید و محصول تعامل ناصحیح گروهی از مخاطبین با جریان اسلامی دانست که همیشه در برابر انقلاب‌های راستین وجود داشته و دارد. برخی مفسران معتقدند جریان نفاق، نه تنها برای اسلام که برای هر آیین انقلابی و پیشرو، خطرناک‌ترین گروه به‌شمار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۹-۱۳۵)؛ تا بدانجا که برخی از دیگر مفسران، ضررها و آسیب‌های منافقین به امت اسلامی را بسیار فراتر از

آسیب‌های مشرکین، یهود و نصاری دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۲۸۸). قرآن کریم در برخی موارد منافقان را سرسخت‌ترین دشمنان (بقره ۲: ۲۰۴) و برادر کفار اهل کتاب نامیده (حشر ۵۹: ۱۲-۱۱) و قطع کردن کمک‌های مالی از یاران پیامبر را یکی از دسیسه‌های منافقان برای پراکندن جمع مؤمنین از پیرامون ایشان دانسته است (منافقون ۶۳: ۷). از دیگر فعالیت‌های جریان نفاق، جدا کردن سیصد نفر از سپاه هزار نفری مسلمانان در جنگ احد در سال سوم هجرت، با هدف تضعیف و اختلاف افکنی در سپاه اسلام بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۲۹۱-۲۹۰). آنان از هر فرصتی برای تخریب و جبهه پیامبر، ایجاد خدعه و فساد در اجتماع مؤمنین (بقره ۲: ۹، ۱۱ و ۱۲)، جلوگیری از پیشبرد دعوت اسلامی و قوام یافتن جامعه نوپای دینی استفاده کرده‌اند (بقره ۲: ۱۴۲).

۴. غلبه فرهنگی، تبلیغاتی و اقتصادی یهود

اهل کتاب مدینه به عنوان قشری ثروتمند و با تکیه بر هویت دینی، خود را از سایر اقشار اجتماعی مدینه برتر می‌دانستند. این مسأله به حدی بود که «اوس» و «خزرج» و «تازه مسلمانان»، مقهور این غلبه فرهنگی و اقتصادی بودند. یهود با ویژگی‌های پیامبر آخرالزمان آشنا بوده و می‌بایست به عنوان مؤید در شناساندن پیامبر به مخاطبان عصر نزول وارد اقدام می‌شدند. اما بررسی‌ها نشان می‌دهد هم‌زمان با استقرار پیامبر در مدینه و تلاش ایشان در تشکیل قدرت مرکزی و نظام سیاسی، عداوت یهود با ایشان در سطح گسترده تبلیغاتی و عملیاتی آغاز می‌شود؛ تا جایی که شماری از یهودیان به بحث و جدال با پیامبر می‌پردازند (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۶۰-۳۵۸). قرآن کریم در آیات ۴۱ و ۴۲ سوره بقره اهل کتاب را در این که نخستین انکار کنندگان پیامبر اکرم و قرآن کریم بوده و نشانه‌های او را در کتاب آسمانی خود مخفی کرده‌اند، مذمت نموده است (بقره ۲: ۴۱ و ۴۲). اما اهل کتاب عهد خود با خداوند را نقض نموده و با مخفی کردن نشانه‌های الهی در خصوص پیامبر و داشتن سابقه‌ای سوء در عهد شکنی با پیامبران گذشته، ظرفیت انتقال آسیب نقض عهد جمعی را به جامعه مؤمنین داشتند و

تعدادی از یهود نیز با هدف شبهه‌افکنی و ایجاد تفرقه و در نتیجه دور ساختن مؤمنین از پیامبر، به ظاهر اسلام را پذیرفته بودند (ابن هشام، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۳۵۹). همان‌گونه که از نظر گذشت، اختصاص یافتن آیات فراوانی از سوره بقره به مسأله اهل کتاب و نمایان سازی هویت واقعی آنان، نشان‌گر جایگاه خاص تأثیرگذاری یهود در بعد فرهنگی، تبلیغاتی و اقتصادی و هجمه گسترده آنان به جامعه نوپای اسلامی است.

۵. فشارهای جبهه کفر

از دیگر بسترهای مناسب وقوع نقض عهد جمعی در جامعه نوپای نبوی، فشارهای اقتصادی و نظامی مداوم جبهه کفر بر جامعه مؤمنین بود. این فشارها از مکه و در تنگنا قرار دادن تازه مؤمنین و هجرت تعدادی از آنان به حبشه شروع شد و با محاصره در شعب ابی طالب ادامه یافت. با استقرار پیامبر و گروه مؤمنین پیشرو در مدینه، فشارها رنگ دیگری به خود گرفته و به شکل جنگ بدر، احد و احزاب بروز می‌کند. اینها علاوه بر در تنگنا قرار دادن مؤمنین مهاجر توسط اقوام و قبایل مکی‌شان بوده است.

مدل مهندسی انسجام بخشی به جامعه نبوی در سوره بقره

سوره بقره فرآیند جامعه سازی دینی در مدینه را گام به گام به پیش برده و همان‌گونه که از نظر گذشت، در این مسیر، بسترهای مناسبی برای آسیب‌پذیری جامعه نبوی وجود داشته است. از آنجا که این بسترها می‌توانست شرایط مساعدی در جهت تضعیف و فروپاشی انسجام داخلی جامعه نبوی و در نتیجه وقوع نقض عهد جمعی و پراکنده شدن مؤمنین از پیرامون پیامبر را از طریق تضعیف ارتباط و عهد و میثاق مؤمنان با خداوند ایجاد نماید، خداوند در سوره بقره ابتکار عمل را در دست گرفته و با طراحی یک مدل مهندسی، مسیر انسجام بخشی به جامعه نبوی را فراهم می‌نماید. با استناد به آیه ۲۹ سوره فتح و در هم‌گامی با سوره بقره، می‌توان ترسیمی از این مدل انسجام بخشی به جامعه نبوی در سوره بقره را به دست داد که از طریق تلاش برای ارائه راه‌کارهای ذیل محقق شده است.

۱. تقویت گروه مؤمنان پیشرو با بیان شاخصه‌های دین‌داری

از افرادی که در مکه و پیمان عقبه دعوت پیامبر را پذیرفته و به خداوند ایمان آوردند، می‌توان به گروه مؤمنان پیشرو تعبیر نمود که ستون اصلی جامعه نبوی را شکل داده‌اند. با ورود جامعه نبوی به مرحله سوم شکل‌گیری، در ابتدای سوره بقره، خداوند شش ویژگی برای این گروه برشمرده است: متقی هستند، ایمان به غیب دارند، نماز را بر پا می‌دارند، از آنچه خداوند روزی آنها کرده است انفاق می‌کنند، به آنچه که خداوند بر پیامبر و پیامبران پیشین فرستاده و در نهایت به آخرت و روز واپسین نیز ایمان دارند (بقره (۲): ۵-۲). برخی از مفسران معتقدند چون متقین از طریق خداوند متعال هدایت شده‌اند، دارای این چند وصف کریمه شده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۴). این اوصاف خاص گروه مؤمنان پیشرو است که ذکر آن در ابتدای سوره بقره باعث قوت قلب و برجستگی جایگاه مؤمنان پیشرو در جامعه نوپای دینی مدینه شده است. از طرفی ذکر این اوصاف، بیان شاخصه‌های دینداری و صفات مؤمنان واقعی است و از این طریق سازمان تقویت ایمان و میثاق مؤمنین با خداوند استحکام می‌یابد.

۲. گفتمان سازی توحیدی

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها و ره‌آورد ساختار قبیله‌ای، گوناگونی عقاید و سنت‌های هر قبیله با سایر قبایل بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد گفتمان عقیدتی مشترک و هم‌دلی و اتحاد، مشروط به فراگیری و نهادینه شدن، ظرفیت تأثیرگذار و شگرفی در انسجام بخشی و توسعه موفق و پایدار نظام‌های اجتماعی و سیاسی برجا می‌گذارد؛ تا جایی که برخی متفکران و جامعه‌شناسان، سلامتی و برپا بودن جامعه را تعادل اخلاق افراد و بیماری آن را تفاوت در اخلاق آنها دانسته‌اند (فارابی، ۱۳۶۴، ص ۲۴). از این رو قرآن کریم برای بهره‌گیری از این ظرفیت، در پی شکستن ساختار، مرزها و محدودیت‌های نظام قبیله‌ای، خصوصاً عقاید و سنت‌های غلط است. از طرفی گفتمان سازی توحیدی و تلاش در جهت ایجاد اتحاد از طریق ایجاد باورهای مشترک، از دیگر راه‌کارهای موثر در ممانعت از بروز نقض عهد جمعی در نظام اجتماعی جدید در مدینه بوده است. این راه‌کار در سوره بقره بروز و ظهور ویژه‌ای دارد. آیات دال بر جداسازی صف مؤمنان از کفار و منافقان (بقره (۲): ۲۰-۲)،

جبهه‌گیری در مقابل یهود (بقره ۲): ۴۲، ۴۴، ۶۴، ۷۴، ۱۰۵ و ۱۰۹) و باورسازی توحیدی (بقره ۲): ۲۹-۲۱) را می‌توان نمونه‌ای از این تلاش‌ها به‌شمار آورد.

۳. معرفی بیمار دلان و منافقان

بیمار دلان و منافقان قشر مهم و اثرگذاری از جامعه نبوی را شکل می‌دادند که با ایمان ظاهری و نفوذ در اجتماع مؤمنین به راحتی قابل شناسایی نبوده و ظرفیت وارد ساختن ضربات و آسیب‌های عقیدتی، اجتماعی و سیاسی جبران‌ناپذیری را به جامعه نوپای اسلامی داشتند. بررسی محتوای سوره‌های مدنی نشان می‌دهد آیات فراوانی در رابطه با معرفی این جریان و برملا ساختن توطئه‌های آنان نازل شده است (بقره ۲): ۲۰-۸؛ توبه (۹): ۱۰۱-۴۲؛ از این‌رو معرفی شخصیت رفتاری و نوع و حوزه عملکرد آنان برای مؤمنان، به عنوان راه‌کاری مناسب و اثرگذار در دستور کار سوره بقره قرار گرفت (بقره ۲): ۲۰-۸) و آنان را با ویژگی‌هایی مانند ایمان ظاهری و خدعه با خداوند و مؤمنان (بقره ۲): ۸، ادعای اصلاح‌طلبی (بقره ۲): ۱۱، عالم دانستن خود و سفیه دانستن مؤمنان (بقره ۲): ۱۳، دوگانگی شخصیتی و هم صدا شدن با هر جمعیتی (بقره ۲): ۱۴ معرفی نموده و با بیان این خصوصیات، مؤمنان را از افتادن در دام نفوذ و فریب آنان و پراکنده شدن از پیرامون پیامبر بر حذر داشته است.

۴. پایبندی به عهد و میثاق‌های الهی نخستین مؤلفه در تولید انسجام دینی - اجتماعی

از آنجا که مهم‌ترین نیاز جامعه نبوی در مرحله سوم، انسجام و استحکام داخلی بوده و قرآن کریم نیز این مرحله را دوره تقویت و استحکام یابی نامیده است، سوره بقره نیز با تأکید بر اهمیت پیمان‌های الهی (بقره ۲): ۲۷ و بیان مصادیق متعدد نقض عهد مؤمنان گذشته، پایبندی به عهد و میثاق الهی را معیار سامان‌یابی ارتباط فردی مؤمنین با خدا دانسته (بقره ۲): ۳۸، ۴۰، ۱۲۴ و ۱۷۷؛ آل عمران (۳): ۷۷-۷۶) که به تبع آن ارتباط آنان با پیامبر و جامعه دینی نیز سامان یافته و با برقراری این ارتباط، اخوت ایمانی در جامعه نبوی برقرار می‌شود. از این‌رو می‌توان پایبندی به عهد و میثاق الهی را نخستین مؤلفه در تولید انسجام دینی - اجتماعی در جامعه نبوی دانست.

۵. مقایسه عهد شکنان و معرفی نقض عهد الهی به عنوان معیار گمراهی

یکی از روش‌های قرآن کریم در بشارت و انذار مخاطبان، تذکر به عواقب دنیوی و اخروی اعمال فردی و جمعی انسان‌هاست. از این‌رو در سوره بقره به شدت، شکستن عهد و میثاق را مذمت نموده (بقره (۲): ۲۷) و با بیان مصادیقی مانند عهدشکنی ابلیس، آدم و حوّا، بنی‌اسرائیل، منافقان، اصحاب سبت و سپاهیان طالوت، عواقب این رفتار سوء اجتماعی را یادآوری می‌نماید تا مبدا جامعه نوپای مؤمنین دچار این آسیب اجتماعی گردد. از طرفی مقایسه میان دو رخداد، دو نوع رفتار یا دو گروه اجتماعی، از روش‌های تربیتی و انتقال مفاهیم در این کتاب الهی است. در مصداق‌شناسی انواع مقایسه‌ها در قرآن کریم، عهد شکنان و پایبندان به عهد‌های الهی و میثاق انبیا نیز مورد مقایسه قرار گرفته‌اند؛ مانند مقایسه میان جبهه ایمان و کفر (بقره (۲): ۷-۳، ۲۴، ۲۵) و مقایسه مؤمنان واقعی و منافقان (بقره (۲): ۴-۳ و ۲۰-۸). قطعاً این مقایسه از نظر تربیتی، بر مخاطبان عصر نزول جهت پایبند ماندن به عهد و پیمان خود با خداوند و پیامبر، تأثیر داشته است. با تبیین نقش پایبندی به عهد و میثاق الهی در تولید انسجام دینی - اجتماعی، در مقابل، مهم‌ترین آسیب جامعه نبوی، نقض عهد و پیمان الهی است؛ چراکه در صورت بروز، عهد و میثاق مؤمنین با پیامبر و همدیگر نقض می‌شود که مهم‌ترین محصول آن و آسیب جامعه نبوی یعنی رخداد نقض عهد جمعی و فروپاشی انسجام درونی جامعه نبوی می‌باشد.

۶. تلاش برای شکستن غلبه فرهنگی و اجتماعی اهل کتاب

با توجه به مکان و غلبه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی اهل کتاب در مدینه، آنان از جایگاه ویژه‌ای نسبت به سایر اقشار اجتماعی برخوردار بوده‌اند. دین، شاه‌راه ارتباط بشر با خداوند بوده و اهل کتاب با داعیه دین‌داری و ارتباط وثیق با خداوند (بقره (۲): ۱۱۱ و ۱۳۵؛ مائده (۵): ۱۸)، از این عنصر به صورت ویژه بهره‌برداری نموده و با تولید یک هویت ساختگی، تا حدودی خود را به عنوان نخبگان فرهنگی و اجتماعی مدینه جا زده بودند. آنان با تکذیب رسالت پیامبر و سرپوش نهادن بر حقایق و ویژگی‌های پیامبر، بار دیگر عهد و میثاق خود با خداوند را نقض نمودند

(بقره ۲): ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۴۰). از همین جهت قرآن کریم در موارد متعددی از سوره بقره در صدد بیان هویت واقعی آنان و شکستن این غلبه بوده تا در مقابل به مؤمنین هویتی تازه ببخشد (بقره ۲): ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۰، ۱۳۳). بیان مصادیق متعددی از بهانه جویی‌ها (بقره ۲): ۶۱، ۶۷، ۷۳-۵۵)، عهد شکنی اهل کتاب با خداوند و حضرت موسی ۷ (بقره ۲): ۹۰-۸۳، ۹۳-۸۵) و بیان رفتار سوء آنها با انبیای الهی (بقره ۲): ۹۱ را دقیقاً می‌توان در همین راستا دانست. همچنین اهل کتاب و جریان نفاق، در ماجرای تغییر قبله، تلاش گسترده‌ای برای تخریب وجهه پیامبر و پراکندن مؤمنان از اطراف ایشان به کار می‌بندند (بقره ۲): ۱۵۰-۱۴۲). به همین جهت قرآن کریم به تندی با اهل کتاب برخورد نموده و آنها را سفیه می‌خواند (بقره ۲): ۱۴۲) و رخداد تغییر قبله را محک و معیاری برای آزمودن میزان تبعیت و پیروی مؤمنین از پیامبر و شاید شناساندن جریان نفاق در جامعه مؤمنین دانسته است (بقره ۲): ۱۴۳).

۷. تشریح احکام و خلق هویت جدید دینی

بخش دوم سوره بقره (آیه ۱۴۴ به بعد) را می‌توان ناظر به تشریح احکام و وضع قوانین جدید دانست. آیات مربوط به جریان تغییر قبله (بقره ۲): ۱۵۰-۱۴۲)، دعوت به توحید و مذمت شرک و کفر (بقره ۲): ۱۶۶-۱۶۱)، احکام قصاص، وصیت، حج و روزه و ...، همگی ناظر به وضع قوانین جدید هستند. وضع قوانین از ارکان اصلی استحکام یافتن جامعه نبوی بوده و سوره بقره در شرایط تنوع اقشار اجتماعی، با طرح عهد و پیمان دینی، با تولید ابزاری مانند احترام به قوانین الهی و پابندی به عهد و پیمان الهی، عاملی اثر بخش در تقویت جریان دینی و تقویت ارتباط فردی مؤمنان با خدا، پیامبر و همدیگر پی‌ریزی نموده است. علاوه بر این، تشریح احکام جدید، خلق یک هویت دینی را به دنبال داشته و با هویت سازی واحد و فراگیر و بیان فضایل ایمان راستین به خداوند و برتری بر سایر حوزه‌های اعتقادی موجود، مانند اهل کتاب، کفار و مشرکان، جامعه نبوی به خودباوری، ثبات عقیده و ثبات قدم و در نتیجه مصون ماندن از گزند آسیب‌ها و گره‌های کور اجتماعی و سیاسی دست یافته است. به همین جهت می‌توان

گفت در سوره بقره تلاش وافری صورت گرفته است تا با خلق هویت جدید و هم‌سان، جامعه عصر نزول، با تمام اختلافات عقیدتی و فرهنگی، به فرآیند جامعه پذیری^{۱۳} سوق داده شده و در طی مسیر این فرآیند، با رفع اختلافات، به یک هم‌سانی جمعی در عقیده و رفتار و در نتیجه انسجام داخلی دست یابد.

نتیجه‌گیری

با استناد به آیه ۲۹ سوره فتح و همگامی با سوره بقره، نتیجه می‌گیریم جامعه نبوی آخرین ساختار اجتماعی و سیاسی بود که تحت مدیریت مستقیم خداوند ایجاد شد و رشد و گسترش یافت و در مسیر رشد و ترقی و آسیب‌زدایی از جامعه مخاطبان عصر نزول، با آسیب‌هایی جدی روبرو گشته که با مدیریت الهی با موفقیت از آنها عبور کرده است. در فرآیند شکل‌گیری و تکمیل مراحل چهارگانه جامعه نبوی، سوره بقره به عنوان نخستین سوره مدنی به آسیب‌شناسی و مسیرسازی متقن این جامعه پرداخته است. از این پژوهش می‌توان دریافت که:

۱. بررسی محتوای سوره بقره، پرده از اهمیت ویژه عهد و میثاق‌های الهی بر می‌دارد. مقوله پایبندی و استوار ماندن مؤمنان بر عهد و میثاق الهی، مهم‌ترین مؤلفه سامان‌دهی ارتباط مؤمنین با خداوند و در نتیجه تولید انسجام داخلی در جامعه نوپای نبوی به‌شمار می‌رود. از همین‌رو، مهم‌ترین آسیبی که احتمال بروز آن در جامعه نبوی وجود داشت، نقض عهد جمعی مؤمنان با خداوند و پیامبر اکرم بوده که در صورت وقوع، از هم پاشیدن انسجام و استحکام جامعه نبوی را به دنبال داشته است. خداوند احتمال بروز این آسیب را با یادآوری مصادیق متعدد نقض عهد مؤمنین گذشته، مانند ابلیس، آدم و حوا و اهل کتاب، مکرر به جامعه مؤمنین یادآوری نموده و نسبت به عواقب آن تذکر می‌دهد.

۲. اهل کتاب با سابقه‌سویی که در نقض عهد و میثاق الهی و انبیای گذشته داشتند، با غلبه فرهنگی و اقتصادی و با هجمه وسیع تبلیغاتی، ظرفیت ویژه‌ای برای الگو شدن برای جامعه نبوی و در نتیجه انتقال آسیب نقض عهد الهی به جامعه نبوی داشته‌اند.

بدین لحاظ، جهت تذکر به مؤمنان، آیات فراوانی در سوره بقره به بیان هویت واقعی، شکستن غلبه فرهنگی و مبارزه با تبلیغات وسیع آنان اختصاص یافته است.

۳. مطالعه سوره بقره همگام با نزول و با رویکرد آسیب شناسانه، ضمن آشنا نمودن مخاطب با مراحل رشد و آسیب شناسی جامعه نبوی، به ما می‌نمایاند مهم‌ترین مؤلفه در استحکام بخشی به جامعه نبوی، پایبندی مؤمنان بر عهد و میثاق خود با خداوند و پیامبر بوده است. این دستاورد، خاص جامعه نبوی نبوده و می‌تواند معیار انسجام و استحکام جوامع اسلامی در عصر حاضر نیز قلمداد گردد.

۴. دستاوردهای همگامی با سوره بقره با رویکرد آسیب شناسانه به جامعه نبوی، ضمن معرفی بسترهای امکان وقوع نقض عهد جمعی و ارائه راه‌کارهای قرآنی مقابله با آن، می‌تواند به بازتولید مدل مهندسی انسجام بخشی به جامعه نبوی انجامیده و ضمن کاربردی نمودن این مدل برای موارد مشابه، بخشی از الگوی ارتباط فردی و جمعی مؤمنین با حکومت اسلامی را نیز برای جوامع اسلامی و حکومت‌های نوپای اسلامی در عصر حاضر ترسیم نماید.

یادداشت‌ها

1. Social Phenomena.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: ابن قرناس، *احسن القصص تاریخ الاسلام*؛ دروزه، *تفسیر الحدیث*، ج ۸؛ نیازمند، شرحی بر آیات قرآن به ترتیب نزول آیات.

۳. ر.ک: بختیاری، «راهبردهایی برای مقابله با هنجارشکنی در عهد نبوی»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*، ش ۵۱، ۱۳۹۰.

۴. ر.ک: فارسی، *پیامبری و انقلاب*؛ همو، *پیامبر و جهاد*؛ همو، *پیامبری و حکومت*.

۵. ر.ک: فارسی، «انقلاب اسلامی و دولت وحیانی نبوی؛ سیر تکامل دولت و قانون اساسی برای تحقق ولایت نبوی»، *ماهنامه سوره اندیشه*، ش ۴۹ و ۴۸، ۱۳۸۹.

6. Pathology.

7. Social Pathology.

8. Social Prophlaxis.

9. community society.

10. city-state.
11. Plural Society.
12. Folk Society.
13. Socialization.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آشوری، داریوش، *دانشنامه سیاسی*، ج ۱، تهران: مروارید، ۱۳۸۴.
۳. آقایبی، محمدرضا، «آسیب شناسی جامعه دینی و نقش حکومت در آسیب زایی از آن از منظر نهج البلاغه»، *فصلنامه معرفت*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ش ۵۱، اسفند ۱۳۸۰.
۴. ابن اثیر، ابی الحسن علی بن ابی‌الکرم، *الکامل فی التاریخ*، ج ۱، بیروت: دار صادر، ۱۳۸۵ق.
۵. ابن ادریس، عبدالله عبدالعزیز، *جامعه مدینه در عصر نبوی*، ترجمه شهلا بختیاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۹۲.
۶. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، *تفسیر غریب القرآن*، بیروت: مکتبه الهلال، بی تا.
۷. ابن قرناس، *احسن القصص تاریخ الاسلام كما ورد من المصدر مع ترتیب السور حسب النزول*، بیروت: منشورات الجمل، ۲۰۱۰م.
۸. ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل، *البدایة و النهایة*، تحقیق علی شیری، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۹. ابن عاشور، محمد بن الطاهر، *التحریر و التنویر*، ج ۱۲، بی جا: مؤسسه التاریخ، بی تا.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، ج ۷، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۱۱. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری، *السیرة النبویة*، تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، ج ۲، قاهره: مکتبه محمد صبیح علی و اولاده، ۱۳۸۳ق.
۱۲. العلی، صالح احمد، *دولت رسول خدا ۹*، ترجمه هادی انصاری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱.
۱۳. انوری، حسن، *فرهنگ بزرگ سخن*، ج ۱، ۳، ۴ و ۵، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۱.
۱۴. بختیاری، شهلا، «راهبردهایی برای مقابله با هنجار شکنی در عهد نبوی»، *فصلنامه تاریخ اسلام و ایران*، تهران: جامعه الزهراء 3، ش ۵۱، ۱۳۹۰.

۱۵. برزگر، ابراهیم، تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
۱۶. بهجت پور، عبدالکریم، تفسیر به ترتیب نزول؛ مبانی، اصول، فوائد و قوائد، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳.
۱۷. -----، همگام با وحی، ج ۱، قم: مؤسسه تمهید، ۱۳۹۰.
۱۸. -----، شناخت نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، قم: مؤسسه تمهید، ۱۳۹۴.
۱۹. بهرامیان، علی، اوس و خزرج، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۷.
۲۰. الجابری، محمدعابد، فهم القرآن الحكيم التفسیر الواضح حسب ترتیب النزول، بیروت: مرکز الدراسات الوحدة العربية، ۲۰۰۸م.
۲۱. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، جلاء الاذهان و جلاء الاحزان، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. حمیدالله، محمد، مجموعة الوثائق السياسية للعهد النبوی و الخلافة الراشدة، بیروت: دارالنفائس، ۱۴۰۷ق.
۲۳. حییم، سلیمان، فرهنگ معاصر انگلیسی فارسی، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۵.
۲۴. دروزه، محمدعزت، سيرة الرسول صور مقتبسة من القرآن الكريم، بیروت: المكتبة العصرية، بی تا.
۲۵. دروزه، محمد عزت، تفسیر الحديث، ج ۸، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق.
۲۶. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱ و ۱۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق: دارالعلم دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۸. رجبی و دیگران، محمود، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، تهران: سمت، ۱۳۹۰.
۲۹. ساروخانی، باقر، دائرة المعارف علوم اجتماعی، ج ۲، تهران: کیهان، ۱۳۸۰.
۳۰. سید قطب، سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، ج ۶، بیروت - قاهره: دارالشرق، ج ۱۷، ۱۴۱۲ق.
۳۱. شریف، احمد ابراهیم، مكة و المدينة فی الجاهلیة و عهد النبوی، قاهره: دارالفکر العربی، بی تا.

۳۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹ و ۱۹، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۳۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، ج ۴، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۳۵. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۶. غریب زندی، داود، «مفهوم امنیت در قالب گونه‌های مختلف دولت، قبیله، دولت - شهر، امپراتوری»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ش ۴۲، ۱۳۸۷.
۳۷. فارابی، ابونصر، فصول متنزعه، تحقیق و تعلیق فوزی متری نجار، تهران: مکتبه ابوزهره، ۱۳۶۴.
۳۸. فارسی، جلال‌الدین، پیامبری و انقلاب، تهران: انجام کتاب، ۱۳۶۱.
۳۹. -----، پیامبری و جهاد، تهران: انجام کتاب، ۱۳۶۳.
۴۰. -----، پیامبری و حکومت، تهران: انجام کتاب، ۱۳۶۹.
۴۱. -----، «انقلاب اسلامی و دولت و حیانی نبوی؛ مسیر تکامل دولت و قانون اساسی برای تحقق تام ولایت نبوی»، ماهنامه سوره اندیشه، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ش ۴۸ و ۴۹، ۱۳۸۹.
۴۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، ج ۱ و ۶، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.
۴۳. فیرحی، داود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: دانشگاه باقر العلوم 7 و سازمان سمت، ۱۳۹۳.
۴۴. قرشی، باقر شریف، النظام سیاسی فی الاسلام، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۸ق.
۴۵. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۴۶. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۸، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۷. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از نگاه قرآن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۱.
۴۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷ و ۸، تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۶۰.

۴۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ۲، ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۰.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، ۲۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۵۱. الميدانی، عبدالرحمن حسن حینکه، معارج التفکر و دقائق التدبیر، دمشق، دارالقلم، ۱۴۲۰ق.
۵۲. ناس، جان بایر، تاریخ جامع ادیان، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۲.
۵۳. نیازمند، سیدرضا، شرحی بر قرآن به ترتیب نزول آیات، اصفهان: بنی هاشم، ۱۳۹۰.
۵۴. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۵۵. یعقوبی، احمدابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج ۱، بیروت: دارصادر، بی تا.
۵۶. یوسفی غروی، محمدهادی، موسوعه التاریخ الاسلامی، ج ۱، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.